

ندای مسخره

شامی چو این مشبک
از نیشک آتش چشمک زن
شمی چون این محیل
پنهانِ سقف های مقرنس
انسانِ آسمانی :
نه ساروانِ خداوند
نه مهریارِ کس
بجوحه ی گذرِ این برهه
وقتِ عزیزِ تو را
از عشقِ من گرفته به پوچ داده
فکرِ جهانِ تو را داده به تفتیشگر

گفتی چه بود رازِ مساله با ما
گفتی چه رنگ پرچم آویخته است بالا
فرموده بودید نامِ مامِ زمین چه است این جا
خطر کن رفیق نشانی نما
آیا

کتابی چیزی از گاهنامه ی اینان
که قابلِ مرور باشد

خوانده ای

سراغ داری

توصیه می کنی

1998 - 5-10